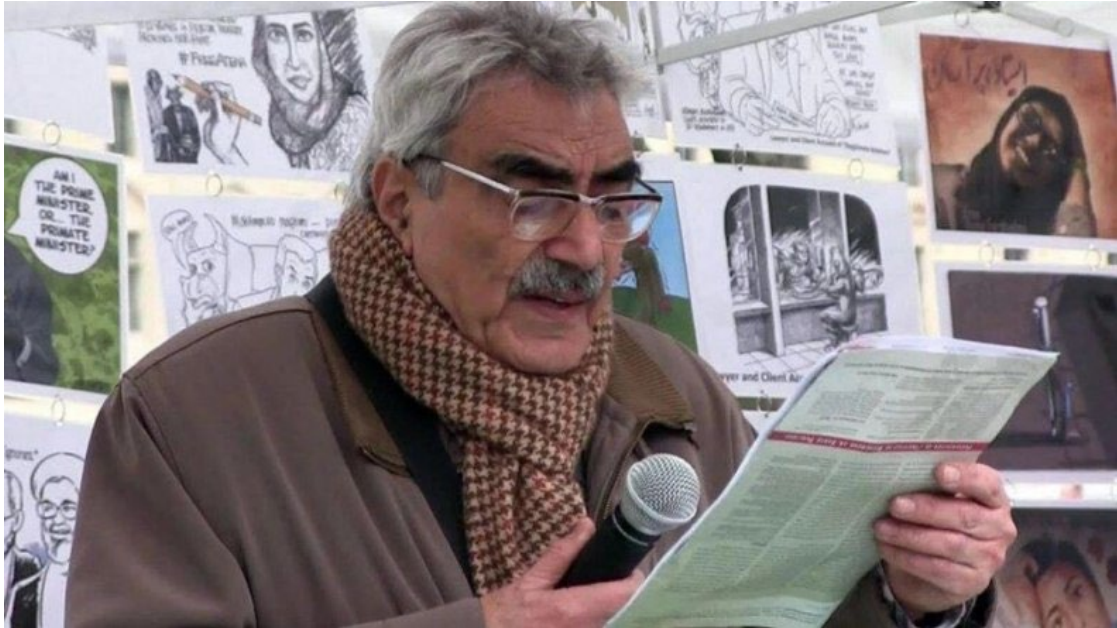




صدها نفر از فعالان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی؛ بزرگداشت ناصر پاکدامن



یاد ناصر پاکدامن را گرامی می‌داریم

۲۰۲۳-۱۹۳۳/۱۴۰۲-۱۳۱۱

همراه، آموزگار و یار دیرین ما ، فرزند برومند و وفادار میهنمان و کوشنده پی‌گیر فرهنگ و آزادی، ناصر پاکدامن، در سحرگاه روز یکشنبه سوم اردیبهشت ۱۴۰۲، بیست و سوم آوریل ۲۰۲۳ در پاریس درگذشت. حضور صدها نفر از هموطنان در مراسم وداع با پیکر او در گورستان پرلاشز پاریس نشان از آن داشت که دوستان و آشنایان و خوانندگان آثار او، به رغم این که در این یکی دو سال آخر به اقتضای عمر و رنج بیماری حضور اجتماعی و فعالیت و تکاپوی خود را محدود کرده بود، نیک‌خواهی و تلاش بی‌دریغ او را برای اعتلای فرهنگ ایران و بهروزی ایرانیان همچنان پاس می‌دارند.

ناصر پاکدامن در خانواده‌ای پای‌بند اخلاق و اهل فرهنگ به دنیا آمد. خانواده پدری اش در حدود سال های ۱۳۰۰ شمسی از همدان به تهران آمده بودند. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبستان ادب و دبیرستان علمیه و سال آخر دبیرستان را در دارالفنون گذراند. سال های نوجوانی او در فضای آزادی‌های پس از شهریور بیست و پیدایی و شکل‌گیری احزاب و سازمان‌های سیاسی جدید و کشاکش‌های میان آنان در دوران ملی شدن نفت سپری گشت. در همین دوران است که دلبستگی‌های او به نهضت ملی شکل می‌گیرد و از عناصر پایدار هویت

سیاسی او در آینده می‌شود. سال‌ها بعد در خطابه‌ی زیبایی که به یاد دوست همدانشش، حمید عنایت، در دانشگاه آکسفورد، ایراد کرد، خاطرات آن سال ششم ادبی در دارالفنون را این چنین به پایان بُرد: " همان سالی که رزم‌آرا کشته شد، نفت ملی شد، دکتر مصدق به حکومت رسید، هدایت خودکشی کرد و ما فهمیدیم که در این آشفتگی یک سال دیگر پیر شدیم. در این میان آن چه دستمان را می‌گیرد، دوستی ماست، همین."

پس از پایان تحصیل در دبیرستان (۱۳۲۹-۳۰) به دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران رفت تا اقتصاد بخواند و سپس با کسب رتبه‌ی نخست برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و در دانشگاه پاریس اقتصاد و جمعیت‌شناسی خواند.

در دوران تحصیل در ایران با هما ناطق، تاریخ‌نگار برجسته، آشنا می‌شود و چند سال بعد در زمان دانشجویی در پاریس، در چهاردهم شهریور ۱۳۳۵، با هم پیوند زناشویی می‌بندند و دارای دو فرزند می‌شوند، می‌شا و روشنگر.

در همین سال‌هاست که به همراه زنده یاد امیر پیشداد به فکر برپایی اتحادیه‌ی دانشجویان ایرانی در فرانسه می‌افتند و نیز انتشارنامه‌ی پاریسی، مجله‌ی فرهنگی، علمی و هنری، ناشر افکار دانشجویان ایرانی در اروپا (اردیبهشت ۱۳۳۸).

چندی بعد با برخی از یارانش در نهضت ملی برآن می‌شوند که جامعه‌ی سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا را که هسته‌ی مرکزی آن در پاریس بود به وجود آورند و مجله‌ی سوسیالیسم را منتشر کنند (۱۳۴۳) تا اندیشه و گرایش چپ مستقل را بیشتر بشناسانند .

رساله‌ی دکتری‌اش را با عنوان اقتصاد ایران، تحلیل ساختاری یک اقتصاد توسعه نیافته در دانشکده‌ی حقوق و علوم اقتصادی دانشگاه پاریس گذراند و پایان‌نامه‌اش برای نشر در مجموعه‌ی انتشارات آموزش عالی فرانسه برگزیده شد (۱۹۶۸). در آخرین سال تحصیل در همان دانشکده به تدریس پرداخت.

در سال ۱۳۴۶ تصمیم می‌گیرد به ایران باز گردد. مقام‌های امنیتی به بهانه‌ی فعالیت‌های سیاسی‌اش در زمان دانشجویی مدتی مانع استخدام او در دانشگاه می‌شوند ولی چندی بعد کار تدریس در دانشکده‌ی اقتصاد را آغاز می‌کند و درس‌ها و جزوه‌های درسی‌اش در اقتصاد ایران، جامعه‌شناسی اقتصادی و جمعیت‌شناسی از محبوبیت زیادی در میان دانشجویان برخوردار می‌شوند. مناسبات صمیمانه‌ی او با دانشجویان پایه‌ی دوستی‌های ماندگار میان آنان می‌گردد.

در این سال‌ها افزون بر نوشتن مقاله و کار پژوهش، تجربه‌های گرانقدری در ویراستاری و نشر حرفه‌ای می‌اندوزد. در سال ۱۳۴۷ به دعوت کریم امامی به انتشارات فرانکلین می‌پیوندد و در کنار برخی از برجسته‌ترین مترجمان و ویراستاران آن دوره به کار می‌پردازد. به پیشنهاد و با نظارت اوست که مجموعه‌ی تازه‌ای از آثار در اقتصاد و علوم اجتماعی انتخاب، ترجمه و منتشر می‌شود. سردبیری مجله‌ی سخن و مجله‌ی تحقیقات اقتصادی و دفترهای سلسله

بررسی و تحقیق وابسته به دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران بخش دیگری از تجربه‌ها و تلاش‌های او در این زمینه است.

در سال ۱۳۵۳-۵۴ به دعوت دانشگاه پرینستون به عنوان پژوهشگر مدعو مدتی در امریکا اقامت گزید و از فضای سرد و عبوس سیاسی آن سال‌های حزب رستاخیز در ایران دور ماند .

از اوایل سال ۱۳۵۶ با گشایش فضای بسته سیاسی و آغاز اعتراض‌ها و مطالبات اجتماعی، عرصه فعالیت‌های اجتماعی او نیز به فضاهای بیرون از دانشگاه گسترش یافت. ناصر پاکدامن و شماری از استادان گرد هم می‌آیند تا در برابر جوّ پلیسی حاکم و ضرورت استقلال دانشگاه‌ها از ارکان قدرت، چاره‌ای ببینند. در ۱۱ مرداد ۱۳۵۷ منشور سازمان ملی دانشگاهیان ایران منتشر می‌شود و طیف گسترده‌ای از استادان و کادرهای آموزشی را به خود جلب می‌کند. او نقش مؤثری در شکل‌گیری و پیش‌برد مبارزه این سازمان نوبا داشت. در بیستم فروردین ۱۳۵۷ در پی اعتصاب غذای زندانیان سیاسی، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی دست به انتشار بولتنی خبری می‌زند به دو زبان فارسی و انگلیسی. انتشار این بولتن که تا ۲۴ دی ماه ادامه یافت نیز برعهده او بود. در اواخر پائیز همان سال سه انجمن مهم دموکراتیک و مستقل از سازمان های سیاسی یعنی کانون نویسندگان ایران، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران و سازمان ملی دانشگاهیان ایران تصمیم می‌گیرند خبرنامه مشترکی منتشر کنند. نام خبرنامه، همبستگی و گرداننده آن ناصر پاکدامن بود .

با سقوط رژیم پادشاهی و به قدرت رسیدن حکومت اسلامی آشکار شد که مبارزه آزادی‌خواهانه نه تنها به سرانجامی نرسیده که با دیوار ستبری از تعصب و واپس‌ماندگی روبرو و آزادی‌ها و دست‌آوردهای آغاز انقلاب یکی پس از دیگری پامال ارتجاع و استبداد مذهبی حاکم شده است. در چنین شرایطی بود که جمعی از مبارزان و کنشگران سیاسی با پیشینه ملی و چپ گرد هم آمدند و در چهاردهم اسفند ۱۳۵۷ در احمدآباد در جوار مزار مصدق تشکیل جبهه دموکراتیک ملی ایران را رسماً اعلام کردند. این جبهه که با امید فراهم آوردن فضایی برای همگرایی و همکاری با نیروها و سازمان های جوان انقلابی در دفاع از آزادی و خواست‌های دموکراتیک به وجود آمده بود، بی درنگ مورد تهاجم رژیم جدید قرار گرفت. ناصر پاکدامن از اعضای مؤسس آن و یکی از گردانندگان اصلی نشریه آزادی ارگان جبهه بود.

در سال ۱۳۵۹ به عنوان یکی از اعضای هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران انتخاب می‌شود. در همین سال بود که انحصار طلبی حاکمیت از سرکوبی نیروهای غیرخودی فراتر رفت. در سی ام تیرماه ۱۳۶۰ شورای ملی مقاومت اعلام موجودیت کرد. ناصر پاکدامن هم دعوت پیوستن به این ائتلاف را پذیرفت. این همکاری چند سالی بیشتر دوام نیاورد. در آذر ماه ۱۳۶۰، پس از مدتی زندگی در اختفا، به ناگزیر خاک ایران را ترک کرد و بار دیگر به فرانسه آمد.

با از سرگرفتن انتشار دوباره مجله الفبا در زمستان ۱۳۶۱ در پاریس، به یاری ساعدی می شتابد و تا انتشار آخرین شماره الفبا در پائیز ۱۳۶۴ و مرگ نابهنگام ساعدی کنار او می ماند. چندی بعد، در تابستان ۶۵ همراه با محسن یلفانی به انتشار مجله چشم انداز دست می زند. چشم انداز با همکاری اهل قلم داخل و خارج کشور و با اقبال خوانندگانی وفادار جای ویژه ای در میان نشریات وزین فرهنگی خارج از کشور پیدا کرد که بی تردید عامل اصلی آن، تلاش ها، مناسبات و شخصیت نستوه ناصر پاکدامن بود.

باز نشر رباعیات حکیم عمر خیام، به اهتمام صادق هدایت، همراه با پژوهشی در باره مقدمه هدایت (۱۳۷۶)؛ قتل کسروی (۱۳۷۷)؛ صادق هدایت، هشتاد و دو نامه به حسن شهید نورانی (۱۳۷۹)؛ وغ وغ ساهاب، صادق هدایت و مسعود فرزاد، با طرح های اردشیر محمص (۱۳۸۱)، کتاب هایی است حاصل این دوران کار او. در همین دوره، به جز مقالات متعددی در چشم انداز، نوشته های دیگری نیز در سایر نشریات خارج از کشور به چاپ رساند. آخرین شماره چشم انداز (۲۴) در پائیز ۱۳۸۴ در پاریس منتشر شد.

واپسین تلاش سیاسی او همراهی با جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران بود که از آغاز شکل گیری (۱۳۸۰) تا سال ها در کنارشان بود و نقش موثری در پیش برد کوشش های آنها داشت.

زندگی و کارنامه و آرزوها و هدف های ناصر پاکدامن را می توان در عشق و علاقه بی پایان او به ایران و مردم آن خلاصه کرد. آنچه کرد و آنچه آرزو داشت در پایداری ایران و بهروزی ایرانیان خلاصه می شد و تا آنجا که توانست در این راه کوشید و با آزادگی و شرافتی مثال زدنی زیست.

یاد بیدار او ما را ترک نخواهد کرد .

یرواند ابراهیمیان، سرژ آراکلی، محمد آزادگر، حمید آزادی، هومن آذرکلاه، رسول آذرنوش، فرهاد آسور، مریم آسور، داریوش آشوری، ابراهیم آوخ، تورج اتابکی، مهدی ابراهیمزاده، رضا ابراهیمی، حبیب ابن جلال، وحیده احمدزاده، داود احمدلو، پرویز احمدی نژاد، مانی اخوان، فرح اردشیری، فروغ اردشیری، ناهید اردشیری، نگین اردشیری، پروین اردلان، یوسف اردلان، ابوالفضل اردوخانی، محمد ارونقی، بهروز اسدی، بانو اسکندانی، قادر اسکندانی، اسفندیار اسلامی، اصغر اسلامی، رحیم استخری، حسین اسماعیلی، مریم اشرافی، آذر اشرف، احمد اشرف، فرید اشکان، رضا اصغرزاده، سیمین اصفهانی، لیلا اصلانی، مهدی اصلانی، حسن اعتمادی، ناصر اعتمادی، محمد اعظمی، رضا اغنمی، ناهید افراخته، علی افشاری، رضا اکرمی، مینو الوندی، بهرام امامی، کورش امجدی، نوروز امید، خسرو امیری، شهین امیری، فریبا امینی، علی امینی نجفی، ایراندخت انصاری، منصور انصاری، حسین انورحقیقی، جلال ایجادی، سیروس ایرانپور، اصغر ایزدی، علیرضا ایزدی، کاظم ایزدی، نازنین ایزدی، ابراهیم باران، رحیم باجقلی، رضا باقری، شهرام بامداد، کمال بایرامزاده، رضا بایگان، خسرو بختیاری، منیره برادران، مهران بران،

مهدی برزین، بهروز برومند، گلناز برومندی، ارژنگ برهان‌آزاد، رضا بدیعی، شیدا بنایی، علی بنوعزیزی، فیروزه بنی‌صدر، فرامرز بهار، سهراب بهداد، امیرحسین بهبودی، حبیب بهره‌من، عباس بهشتی، نیلوفر بیضایی، حسن بهگر، امیر بیگلری، خسرو پارسا، کوشیار پارسا، ژاله پاکزاد، فرامرز پاکزاد، حمید پرچم، مهدی پرویز، محمد پروین، ژینوس پزشکی، ناصر پساینده، مسعود پلاسید، علی پورامان، مریم پورتنگستانی، تقی پورعجم، علی پورنقوی، سعید پیوندی، پروین تاج، تقی تام، منیژه تام، نیره توحیدی، فریبا ثابت، حمیدرضا جاودان، مسعود جاهد، یوسف جاهدی، اسفندیار جاوید، فلور جاوید، اقدس جاویدی، سیروس جاویدی، بابک جزنی، میهن جزنی، حسن جعفری، اسد جلالی، مینو جلالی، محمد جلالی‌چیمه (م.سحر)، یاسمین جلالی، فرشید جمالی، ماندانا جمالی، فردوس جمشیدی، جواد جواهری، امیر جواهری‌لنگرودی، خشایار جواهریان، محمدرضا جواهریان، بهروز جهانزاد، گلرخ جهانگیری، ژاله چکنی، ثریا چیت‌ساز، مهری حاج‌آقازاده، رضا حائری، زهره حبیب محمدی، مجید حبیبی، علی حجت، فرشته حجت، حسن حسام، محسن حسام، جلیل حسینی، عذرا حسینی- بنی‌صدر، بهروز حشمت، حمیده حیاتی، احمد خادمی، نسیم خاکسار، مهدی خانباتهرانی، هادی خرسندی، زکیه خسروشاهی، بهروز خسروی، رسول خلفی، بهروز خلیق، لطفعلی خنجی، نیلوفر خوانساری، زهره خیام، مجید دارابیگی، توران دانا، بهروز داودی، آرنا داور، هایده درآگاهی، مهرداد درویش‌پور، رضا دقتی، منوچهر دقتی، احسان دهکردی، حسین دولت‌آبادی، هوتن دولتی، فرهاد دیبا، ناصر رحیم‌خانی، فهیمه رحیم‌نیا، نستور رخشانی، بهرام رستا، خلیل رستم‌خانی، سهیل رسولی، زلیخا رضایی، فاطمه رضایی، علی رضوی، فرهمند رکنی، اسفندیار رفیعی، مصطفی رمضانی، احمد رناسی، علی رنجبر، محمدرضا رنجبران (امان)، رامین روحانی، میهن روستا، فؤاد روستایی، سیروس رهبری، سعید رهنما، علی رهنما، ناصر زراعتی، مجید زربخش، فخری زرشکه، حسن زهتاب، ژینا ژیانقر، فرانسواز ساعدلو، هوشمند ساعدلو، فرشید سپه‌وند، سهیلا ستاری، علی ستاری، زهره ستوده، غزال ستوده، عبدی سردا، اکبر سردوزامی، شهزاد سرمدی، شهین سروش، مریم سطوت، بیژن سعیدپور، گیتی سلامی، فتاح سلطانی، نسیرین سلمانی‌مظفر، اصغر سلیمی، مسعود سمیع، هایده سناوندی، اکبر سوری، هوشنگ سیاح‌پور، مرتضی سیاهپوش، اسد سیف، اکبر سیف، احمد شافعی، محمدرضا شالگونی، لیلی شایگان، مریم شایگان، مسعود شب‌افروز، منصوره شجاعی، حسن شریعتمداری، شهلا شفیق، علی شکرالهی، فاطمه شمس، کیتاش شمس، پرویز شوکت، محسن شهرنازدار، حماد شبیانی، اصغر (علی) شیرازی، مانی شیرازی، کیومرث صابغی، سیما صاحبی، اسدالله صادقی، کامران صادقی، مهوش صالحی، ویدا صالحی، نازی صداقت، محمد حسین صدیق‌یزدچی، بهرنگ صدیقی، اسماعیل صفرزاده، جمال صفری، فاروق صمامی، علی صمد، نبی صمیمی، سعید ضرابیان، فرزانه ضیافتحی، فرهنگ طاوولی، علی طلوع، بهروز عارفی، یدی عباسی، حسن عرب زاده‌حجازی، ناهید عزآبادی، حسن عزیز، غلام عسگری، فخرالدین عظیمی، فرزانه عظیمی، بیتا عظیمی‌نژادان، رضا علامه‌زاده، کاظم علمداری، ثریا علیمحمدی، سرور علیمحمدی، آنا عنایت، هادی عنایت، آذر فارسی، سپیده فارسی، محمد

در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)

ازابن و آن تارنما m.ilbelqal@yahoo.fr xalvat.info

فارسی، کامبیز فاروقی، شاهین فاطمی، عنایت فانی، مهدی فتاحپور، مسعود فتحی، مهرداد فتحی، عبدی فراقی، بهروز فراهانی، بهزاد فراهانی، پرستو فروهر، منصور فرهنگ، ویدا فرهودی، داریوش فریدونی، رضا فیض، جواد قاسم‌آبادی، وجیه قاسمی، ناصر قاضی‌زاده، پرویز قریشی، آذر قشقایی، کریم قسیم، فاطمه قلعه‌گلابی، پرویز قلیچ‌خانی، شهرام قنبری، شهزاد قنبری، مینو قندهاریان، فرخ قهرمانی، علی قیصری، کیان کاتوزیان، مقصود کاسبی، شاهین کاظمی، فرشین کاظمی‌نیا، مهشید کبیری، کاظم کردوانی، علی کریم‌زاده، اسفندیار کریمی، بهزاد کریمی، علی کشتگر، پری کسرائیان، حجت کسرائیان، رضا کعبی، رئوف کعبی، سیامک کلهر، رسول کمال، حمید کوثری، علی کهربایی، آزاده کیان، جان گرنی، هوشنگ گلاب‌دژ (امید)، ابراهیم گلستان، منوچهر گلشن، بارید گلشیری، جمشید گلمکانی، ناصر گیلانی، محمدعلی ماکنعلی، عزیز ماملی، عفت ماهباز، مهناز متین، علی متین‌دفتری، مریم متین‌دفتری، هدایت متین‌دفتری، شهرزاد مجاب، مجید مجالی، پروین محسنی، راحله محسنی، آذر محلوجیان، منوچهر مختاری، مصطفی مدنی، باقر مرتضوی، محمد مروّج، نادر مزکی، سهیلا مسافر، بنفشه مسعودی، فریبا مسعودی، حسین مشفق، ایرج مصداقی، مهران مصطفوی، فریدون معزی‌مقدم، منوچهر مقصودنیا، بهروز معظمی، ژیلا معظمی، رضا معقول، محمود معمارنژاد، امیر معیری، سوسن معینی، هایده مغیثی، مجتبی مفیدی، حسن مکارمی، ابراهیم مکی، سیروس ملکوتی، امیر ممبینی، علیرضا منافزاده، محمد منتظری، کریم منیری، ذبیح موسوی، مسعود مولازاده، فرشته مولوی، باقر مؤمنی، سیامک مؤیدزاده، رضا مهاجر، ناصر مهاجر، فربرز مهران‌ادیب، فرید مهران‌ادیب، اردشیر مهرداد، جهان‌نور مهربخش، ساسان مهری، نعمت میرزازاده (م.آزرم)، انور میرسناری، اشرف میرهاشمی، عباس میلانی، حسن نادری، حجت نارنجی، رضا ناصحی، ناهید ناظمی، نوشزاد ناظمی، شیدا نبوی، احمد نجاتی، جمیله ندایی، علی ندیمی، نیلوفر ندیمی، محسن نژاد، اصغر نصرتی، فرهاد نعمانی، مجید نفیسی، شهین نوائی، داوود نوائیان، حمید نوذری، پرویز نویدی، داریوش نویدی، بهمن نیرومند، ایرج نیّری، حمیلا نیسگیللی، احمد نیک‌آذر، محمدرضا نیکفر، مرتضی نیکی، منوچهر واثق‌نوری، احد واحدی، شیدان وثیق، شاداب وجدی، اسماعیل وفاغمانی، پروین وفاپی‌زاده، جاوید یحیی‌زاده، حسین یحیایی، بابک یحیوی، پرویز یعقوبی، محسن یلفانی، فاطمه یوری، پروین یوسف‌پور، مهدی یوسفی، جمعی از فارغ‌التحصیلان دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران در دههٔ چهل و پنجاه شمسی، مقیم ایران .